

بر این اساس، می‌توان منطقه آزادی را تصور کرد که به نفع مردم باشد؛ به عبارتی، می‌توان گفت منطقه آزاد لزوماً طرحی نولیبرالیستی نیست و می‌توان الگویی برای این مناطق طراحی کرد که در خدمت مردم باشد، نه عده‌ای خاص؛ البته شرح این مطلب مجال دیگری را می‌طلبد. چنان‌که در ابتدای این یادداشت نیز آمد، در گام دوم باید معنای عدالت و جمهوریت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان اندیشمندی مسلمان شرح داده شود.

عدالت یک اصل است که مراعاتش برای حقانیت و مشروعیت ضروری است: «در قالب‌های اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی مان، مسئله عدالت، محور است» (۸ شهریور ۱۳۸۴) و به عبارتی «در اسلام اگر چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال است» (۱۰ آذر ۱۳۸۹)؛ بنابراین، «همه تلاش‌ها و مجاهدت‌ها برای این است که در جامعه عدالت تأمین شود که اگر عدالت تأمین شد، حقوق انسان و کرامت بشری هم تأمین می‌شود و انسان‌ها به حقوق و آزادی خود هم می‌رسند» (۲۳ آبان ۱۳۸۲). در این میان، نکته مهم و بنیادین این است که وجود رونق اقتصادی به تنهایی به معنای تحقق عدالت نیست: «اگر رونق اقتصادی در کشور باشد، اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد» (۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۹).

جان کلام این است که «چون دنیای سرمایه‌داری مبتنی بر لیبرال دموکراسی برایش مسئله عدالت، مسئله فرعی و درجه دو و ابزاری است و برای آن‌ها مسئله نفع و سود و پول مسئله اصلی است، موجب نمی‌شود که ما از عدالت به معنای مسئله‌ای محوری و اصلی صرف نظر کنیم. در قالب‌های اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی مان، مسئله عدالت، محور است. اسلام ما این است: اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت. به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزش‌های غربی و ارزش‌های آمریکایی را ترویج کند و از روش‌های آن‌ها استفاده کند و با آن‌ها در بخش‌های مختلف هم‌رنگ و هم‌صدا شود و احیاناً دعای ندبه‌ای هم بخواند. ما اسلام متحجر طالبانی را هم قبول نداریم. نه اینکه حلال قبول نداریم، از اول جریان نهضت آن را قبول نداشتیم» (۲۵ مرداد ۱۳۸۳).

مقام معظم رهبری براساس مبانی اسلامی و جایگاه عدالت در آن و البته به دلیل سهل‌انگاری مسئولان و مدیران کشور در سطوح گوناگون در طول سالیان متمادای، در دیدار با دولت سیزدهم فرمودند: «هر مصوبه، لایحه و تصمیم دولت باید پیوست عدالت داشته باشد.» این بیان صریح و روشن مشخص می‌کند که هر مجموعه و دستگاه و سازمانی یا هر مدیر و مسئولی که می‌خواهد با رویکرد عدالت و وظایف خود را به انجام رساند، باید برای همه سیاست‌ها و طرح‌ها و

می‌توان منطقه آزادی را تصور کرد
که به نفع مردم باشد؛ به عبارتی،
می‌توان گفت
منطقه آزاد لزوماً
طرحی نولیبرال
نیست و می‌توان
الگویی برای این
مناطق طراحی کرد
که در خدمت مردم
باشد، نه عده‌ای
خاص.